

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال چهاردهم، شماره پنجاه و ششم، زمستان ۱۴۰۱

بررسی و تحلیل کارکرد تعلیمی «امر و نهی» در غزلیات شمس

دکتر فاطمه جمالی^۱

چکیده

متون ادبی زبان فارسی همواره از مهم‌ترین مصادیق و کارآمدترین عناصر تعلیم و تبیین آموزه‌های تربیتی و اخلاقی جامعه به شمار آمده‌اند. حال با در نظر گرفتن این حقیقت که متون عرفانی ذاتاً و فی‌نفسه رسالت تعلیمی و انتقال آموزه‌هایی تعالی‌بخش دارند، می‌توان دریافت که بررسی و تحلیل وجوه تعلیمی این آثار با رویکردهای پژوهشی مختلف، یک ضرورت به شمار می‌آید. مولانا یکی از شاخص‌ترین چهره‌های عرفانی - تعلیمی ادب فارسی است که با بررسی سخن وی می‌توان سویه‌های کارآمد پیوند عرفان و تعلیم را آشکار کرد. وی برای تبیین و ابلاغ تعالیم روحانی خود، از همه شگردهای زبانی و بلاغی بهره می‌گیرد. در این زمینه، علم معانی و ابزارهای بلاغی آن، به‌ویژه اغراض ثانوی جملات، به‌دلیل آنکه بیشتر به ظرایف و ظرفیت‌های درونی سخن و اندیشه‌ها و تعالیم عارف می‌پردازد، توانسته است در خدمت رسالت هدایت‌محور این شاعر قرار گیرد. هدف نگارنده در پژوهش حاضر بررسی، دریافت و معرفی تلاقی تعلیم و عرفان با استفاده از امر و نهی در غزلیات مولاناست. آیا غزلیات شمس، اثری عاشقانه - عارفانه، می‌تواند اثری تعلیمی شمرده شود؟ و امر و نهی چگونه و چقدر توانسته است در خدمت وجه تعلیمی کلام مولانا باشد؟ از پرسش‌های اصلی این مقاله است. روش بررسی در این مقاله تحلیلی - توصیفی با مطالعه موردی غزلیات شمس است. نتایج حاصل نشان می‌دهد با توجه به نگاه مخاطب‌محور مولانا در سخنانش و نیز

آنکه در کاربرد امر و نهی، حضور مخاطب زنده و پویاست، توانسته است در این اثر با وجود ماهیت غیرتعلیمی و غنایی آن، به دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم و با هدف ارشاد و تعلیم به بیان اندیشه‌های تعلیمی خود بپردازد.

واژه‌های کلیدی

غزلیات شمس؛ امر و نهی؛ کارکرد تعلیمی

۱- مقدمه، بیان مسئله پژوهش

مولانا در زمره شاعران عارف و دیوان غزلیات وی از آثار ممتاز عرفانی به شمار می‌آید. با توجه به اینکه امر و نهی و رویکرد تعلیمی آن در این اثر، بسامد بالایی دارد، مؤلف بر آن شد که نوع و میزان کارکرد تعلیمی سخن مولانا در غزلیات شمس را با استفاده از قابلیت‌های زبانی امر و نهی واکاوی و تحلیل کند. نکته تأمل‌برانگیز در اینگونه آثار عرفانی این است که برای بیان کردن رویکرد تعلیمی آنها، نمی‌توان با ملاک‌های ساده و معمولی پژوهش و بررسی کرد؛ بلکه باید با استفاده از قابلیت‌های علم معانی که در ارتباط مستقیم با ظرفیت‌ها و ظرافت‌های خاص کلام گوینده و نیز در ارتباط عمیق با مفاهیم و معارف ژرف متون عرفانی است، این متون بررسی و پژوهش شوند. لازم است روشن شود که مولانا در ابیاتی که به امر و نهی پرداخته به چه صورت عمل کرده است و از چه الگوهایی در کاربرد امر و نهی در قالب پند و موعظه استفاده کرده است. آیا به روش عادی و معمولی به امر و نهی پرداخته یا برای تأثیر بیشتر کلام خود به صورت غیرمستقیم و از طریق توسع معنایی بخشیدن به این قسم از جملات، به تبیین اندیشه‌های تعلیمی خود پرداخته است؟

کاربرد جمله‌های انشایی و اغراض ثانوی آن از ابزارهای بلاغی کارآمد در علم معانی است: علم معانی، علم به اصول و قواعدی است که به کمک آن، کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام مخاطب شناخته می‌شود؛ موضوع آن جمله‌هایی است که بیانگر مقصود و غرض نهایی گوینده و فایده آن، آگاهی بر زوایای پنهان بلاغی و ظرایف

زیباشناسانه در آثار منظوم و منثور است.

مولانا در این اثر اگرچه عارفی شاعر است، می‌توان او را متفکری دانا شناخت که حضور مخاطب در بیشتر ابیات امر و نهی او نمایان است.

به‌طور کلی استفاده از جمله‌های انشایی در یک اثر، آن را از متنی بی‌جان به متنی پویا تبدیل می‌کند. انواع انشایی جمله بر یک ارتباط دوسویه دلالت می‌کند؛ بنابراین وجود جمله‌های امر و نهی در بیان موعظه و اندرز، شکل رایج این اثر است که نشان می‌دهد مولانا با استفاده از کاربرد به‌جا و به‌موقع این جملات، الگوهای متنوع کاربرد و توسع معنایی بخشیدن به آنها، علاوه بر آنکه توانایی خود را در تمام این فنون به نمایش می‌گذارد، مخاطب را در یک فرایند تربیتی به آگاهی دعوت می‌کند و طریق درست و نادرست را به او نشان می‌دهد. او تجربیات باطنی و دریافت‌های عرفانی خود را مطابق با مقتضای حال مخاطب، در قالب جملات گنجانده و به رسالت تعلیمی‌اش در ضمن جملات امر و نهی می‌پردازد.

براساس آنچه بیان شد، موضوع این پژوهش، بررسی و تحلیل غزلیات شمس مولانا براساس بررسی ساختار و محتوای امر و نهی و کشف کارکرد تعلیمی آن است.

۱-۱ پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه جستار حاضر تعدادی مقاله با تشابه اندکی به دست آمد که برخی به بررسی اغراض ثانوی امر و نهی یا به‌طور کلی تر خبر و انشا در سور قرآنی یا معدود آثار نظم و نثر پرداخته بودند. بدیهی است به‌دلیل آنکه این تحقیقات رویکردی صرفاً بلاغی دارند نه صبغه تعلیمی، نمی‌توانست در جایگاه پژوهش‌های متقدم در این مقاله استفاده شود. از سوی دیگر بدان جهت که پیشینه اصلی پژوهش‌هایی از این دست در حوزه علم معانی، اغراض ثانوی و رویکرد تعلیمی این معانی به رساله دکتری و مقالات پیشین مؤلف - به‌عنوان اولین پژوهش‌های این حوزه - بازمی‌گردد، دو مقاله زیر را می‌توان برای پیشینه پژوهش ذکر کرد:

- مقاله «نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشا در علم معانی»، از فاطمه جمالی (مؤلف جستار حاضر) که در نشریه بلاغت کاربردی و نقد بلاغی سال ۱۳۹۵ چاپ شده است. در این مقاله نظر به اهمیت بحث اغراض ثانوی سخن و نقش آن در بررسی کلام

و رعایت اقتضای حال مخاطب و فواید آن در نقد ادبی و فهم متون کهن و جدید، با رویکردهای مختلف غنایی، تعلیمی، عرفانی و دیگر ژانرها مبحث امر و نهی و دیگر انواع انشا و خبر بازبینی نقادانه شده است. بخشی از این تحقیق در قالب مبانی نظری پژوهش پیش رو استفاده شد.

- «بررسی و تحلیل کارکرد امر و نهی در منطق الطیر عطار» مقاله دیگر مؤلف در هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی سال ۱۳۹۲ است که به صورت دقیق‌تر به مبحث امر و نهی در یک متن تعلیمی - عرفانی می‌پردازد.

- مقاله دیگر «بررسی برخی گونه‌های استفهام، امر، نهی ندا در غزلیات شمس تبریزی» از خانم سیما حاتمی‌نیاست که سال ۱۳۹۷ در نشریه مطالعات نقد زیبایی و ادبی چاپ شده است. رویکرد این مقاله طرح و تبیین معانی و اغراض ثانوی جملات انشایی است و بررسی اینکه در دیوان شمس معانی ثانوی چه اندازه بر قدرت اثرگذاری کلام مولانا نقش داشته است. آشکار است در این اثر اشاره‌ای به وجه تعلیمی امر و نهی نشده است.

- در مقاله ای دیگر که آقای حسین سلیمی و بشیر علوی در پژوهشنامه ادبیات تعلیمی سال ۱۲ شماره ۴۷ چاپ کرده‌اند، «بررسی کارکردهای دینی و اخلاقی جملات پرسشی و امری در قصاید سنایی» بررسی شده است. هدف این پژوهش به قول مؤلفان آشکارکردن اندیشه‌های سنایی از سرودن و به‌کارگیری این جملات بوده است. براساس آنچه برای پیشینه پژوهش معرفی شد، می‌توان دریافت که این مقاله با هدف و رویکرد تعلیمی، به‌طور خاص نخستین گام در بررسی تعلیمی - بلاغی غزلیات شمس خواهد بود.

۲-۱ مبانی نظری پژوهش

۱-۲-۱ تعریف امر و نهی و توسع معنایی آن

امر به معنی «طلب حصول فعل، بر سبیل استعلاء» است (رجایی، ۱۳۴۰: ۱۴۸). معنای اصلی امر، فرمان به تحقق امری یا انجام کاری به طریق ایجاب است (علوی مقدم، ۱۳۷۶: ۵۸) و نهی به معنی بازداشتن از کاری است (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۴)؛ درحقیقت امری منفی است که در انجام‌ندادن کاری طلب می‌شود (علوی مقدم، ۱۳۸۱: ۶۱)؛ اما گاه فعل نهی و

فعل امر در معنایی فراتر از معنای وضعی خود به استخدام گوینده برای تحصیل اهداف اندیشگانی، انتقال پیام و تأثیرگذاری بر مخاطب در یک هدایت مفید و مؤثر درمی‌آید. مقاصد ثانوی جمله‌ها معنایی فراتر از یک معنی دوم یا مفهوم مجازی دارد. این ابزار بلاغی زبان درواقع، مفاهیم متعدّد گسترده‌ای است که درهم می‌آمیزد تا اندیشه‌پرورده و روشنی را به مخاطب انتقال دهد. بررسی اغراض بلاغی یک اثر را می‌توان بهترین شیوه برای درک مفهوم کلام گوینده و تأویل اندیشه‌مجمّل وی دانست (جمالی، ۱۳۹۵: ۱۰۹).

۱-۲-۲ رویکرد تعلیمی امر و نهی

از وجوه برتر رفتارهای عارف با زبان در سیر انتقال تجربه‌های روحانی خود، استفاده از توسع معنایی کلام، به اقتضای حال و مقام، برای تأثیر بر مخاطب است. درحقیقت اهمیت کار گوینده عارف این است که در رسالت تعلیمی خود، مفاهیم روحانی و فرازبانی را به‌شکل مفهوم و محسوس در ذهن و ضمیر مخاطب متمکن کند. یکی از طرح‌های موفق که می‌تواند ما را در شناخت زبان عرفان و فهم متون عرفانی یاری کند، بررسی و تحلیل این آثار از منظر بررسی معانی ثانوی امر و نهی و کارکرد آن در اهداف تعلیمی گوینده عارف است. مولانا یک معلم عارف است که در غزلیات خود ضمن بیان اندیشه‌های عاشقانه‌اش از هدایت و تعلیم نیز غافل نمی‌شود؛ به‌طوری‌که مخاطب پیوسته مصادیق و نمودهای کارآمدی از وجوه تعلیمی امر و نهی را مشاهده می‌کند.

هدف نهایی یک متن تعلیمی - عاشقانه در هر قالب و ساختاری که باشد، راهنمایی و هدایت مخاطب است و صاحبان این آثار به‌ضرورت، از جملات و عبارات آمرانه و یا نهی‌کننده برای القای اندیشه‌های خود بهره می‌برند؛ زیرا مقصود اصلی، آگاه‌کردن خواننده اثر و رهنمود وی به‌سوی مدینه فاضله انسانی، البته در کلامی به‌مقتضای حال و سبب التذاذ وی، است. «شعر تعلیمی - عرفانی بخش عظیمی از میراث ادب عرفانی ماست که قصد نخستین شاعر در آنها تعلیم همراه با لذت است» (زرقانی، ۱۳۸۸: ۹۶). ارتباط عمیق و ذاتی میان اهداف تعلیمی و آثار عرفانی تا آنجاست که «ادب تعلیمی با حضور عرفان در شعر فارسی گسترش فراوان یافت؛ به‌گونه‌ای که کمتر منظومه عرفانی است که فاقد مضامین ادب تعلیمی باشد» (تمیم‌داری، ۱۳۷۹: ۲۴۰). غزلیات شمس، اثری

عاشقانه - عارفانه و تعلیمی از مولاناست که درحقیقت زاییده شادمانی و آرامش او در حضور شمس و ناله و زاری‌هایش در غیاب اوست. غزل‌های مولانا برخاسته از حلقه‌های سماع‌اند که در اوقات سرمستی و بیخودی بر زبان‌ها جاری شده‌اند. به همین دلیل، دشواری‌هایی در دریافت آنها پدیدار است. مولانا مخاطب و اقتضای حال او را ملحوظ داشته و با استفاده از قابلیت‌های بلاغی امر و نهی، اهداف عرفانی و تعلیمی خود را محقق کرده است.

در این منظومه، امر و نهی بیشتر برای هدایت، راهنمایی، برحذرداشتن، هشدار و ترغیب و تشویق مخاطب استفاده شده است. جمله کوچک‌ترین واحد معنی‌دار زبان است که در حوزه علم معانی به دو دسته «خبری» و «انشایی» تقسیم می‌شود. جمله‌های انشایی دارای انواع چندگانه‌ای است که هر یک قابلیت‌های ویژه‌ای را در خود نهفته دارد و استفاده از آن، گستردگی خاصی به زبان می‌بخشد. به‌طورکلی انواع انشا ابزاری است که با تقویت حضور مخاطب و بیان احساس متکلم، گوینده را در تبیین و تفهیم اندیشه‌ها و انتقال پیام خود یاری می‌دهد. آنچه در پژوهش حاضر بررسی می‌شود، جمله‌های امر و نهی و کارکرد معنایی آن در تبیین و انتقال اندیشه‌های تعلیمی و آموزه‌های اخلاقی مولاناست.

۲- بحث و تحلیل داده‌ها

پس از بیان مسئله و مبانی نظری پژوهش، اینک در قالب تحلیل داده‌های پژوهش به بررسی نوع و میزان کارکرد امر و نهی در تعالیم مولانا می‌پردازیم. نخست ویژگی‌ها و شگردهای ظاهری (ساختاری) خاص این شاعر در تبیین پیام‌های تربیتی بررسی و تحلیل می‌شود و پس از آن، کارکردهای محتوایی امر و نهی در قالب اغراض ثانوی تربیتی در غزلیات شمس بررسی خواهد شد.

۲-۱ توجه و تمایل آگاهانه به کاربست امر و نهی بلاغی در تحقق اهداف تعلیمی

بررسی شیوه مولانا در جایگاه گوینده‌ای بلیغ و معلمی مخاطب شناس نشان می‌دهد که او می‌داند استفاده از مفاهیم منظورشناختی کلام و اغراض ثانوی امر و نهی، نسبت به امر و نهی مستقیم، تأکید و تأثیر بیشتری دارد؛ زیرا در این شگرد تعلیمی، ذهن مخاطب مکلف و

مجبور به انجام کاری نمی‌شود و بدون آنکه احساس کند در شرایطی نظیر امر صریح و یا نهی مستقیم، با لحن تحکم ارشاد و وعظ شده است، پذیرش امر را انتخاب می‌کند. با این وصف، استفاده از امر و نهی در مفهوم بلاغی خود، به او کمک می‌کند پیامش را بدون تکلف، بلکه آمیخته با لطف و مهربانی بیان کند. مخاطب نیز با دریافت ارشاد دلسوزانه شاعر، به اعمال پیام مستتر در لایه درونی کلام تشویق و ترغیب می‌شود؛ برای مثال:

«رو چشم جان را برگشا، در بیدلان اندر نگر

قومی چو دل زیر و زبر قومی چو جان بی پا و سر»

(مولوی، ۱۳۸۷: ۳۸۱/۵۸۱)

در بیت بالا، مولانا مخاطب را تشویق می‌کند و برمی‌انگیزد که دیده جان خود را بگشاید و احوال عاشقان را از سر بصیرت درونی ببیند.

۲-۲ استفاده از فعل‌های نهی و امری که مفهوم مؤکد دارند

بسامد فراوان افعالی نظیر «بس کن»، «بدان» و «بنگر» که در معنای ظاهری و غرض ثانی خود نوعی تأکید در کلام گوینده را القا می‌کند. این وجه از کارکرد امر و نهی در غزلیات مولانا با هدف جلب توجه مخاطب به تعلیم و ارشاد مدنظر شاعر است. گویی شاعر چنان به گزاره تعلیمی مطلوبش یقین دارد که حجت بر مخاطب را تمام می‌کند و امر مطلوب مدنظر برای تعلیمش را در پیش چشم وی می‌نهد و با قاطعیت ترغیب به برگزیدن آن می‌کند.

«به جان جمله جان‌ها که هر کش آن جان نیست

همه تن‌اند، نگه کن فروتنان چه تنند»

(همان: ۳۳۹/۵۳۵)

«نگه کن» فعل امر پرکاربردی در غزلیات است که به معنای ثانوی «دقت کن» و

«توجه داشته باش» نیز یکی از این نمونه‌هاست:

«بس کن که تلخ گردد دنیا بر اهل دنیا گر بشنوند ناگه این گفت و گوی ما را»

(همان)

همچنین فعل امر «خموش» یا «خاموش» که ابتدا ذهن مخاطب را به تخلص شاعری

مولانا رهنمون می‌کند، از پربسامدترین امرهای غزلیات شمس است که مولانا بیشتر برای ارشاد مؤکد استفاده کرده است:

«خמוש باش که این کودکان پست سخن حشیشی‌اند و همین لحظه ژاژخات کنند»
(همان: ۳۳۸/۵۳۳)

«خامش! که گر بگویم من نکته‌های او را از خویشان برآیی نی در بود نه بامت»
(همان: ۳۱/۲۴۹)

همچنین فعل‌های امر «بنگر، نگر، ببین» که در واقع دعوت مولانا به تفکر و تأمل در خویش، به مبحث تعلیمی مدنظر یا مبدأ عالم هستی است:

«بنگر که آسمان و زمین رهن هستی‌اند اندر عدم گریز از این کور و زان کبود»
(همان: ۳۲۱/۵۱۳)

«امروز مرده بین که چه‌سان زنده می‌شود آزاد سرو بین که چه‌سان بنده می‌شود»
(همان: ۳۲۴/۵۱۶)

در این نمونه‌ها امر بین یا ببین یا لحنی مؤکد، مخاطب را به تأمل کردن و دقت در وجه مدنظر برای تعلیم دعوت می‌کند.

۲-۳ استفاده مکرر از امر و نهی و مترادف و معطوف قراردادن آنها برای بیان اندیشه تعلیمی

کاربرد فعل امر در ابتدای مصراع و بلافاصله فعل امر دیگر که به واسطه او و معیت به هم مرتبط شده‌اند.

«بگیر و پاره کن این شعر را چو شعر کهن که فارغ است معانی ز حرف و باد هوا»
(همان: ۸۴/۲۴۵)

«چشم گشا و رو نگر، جرم بیار و خو نگر خوی چو آب جو نگر، جمله طراوت و صفا»
(همان: ۲۹/۱۸۳)

تکرار افعال امر در پایان مصراع‌ها:

گاهی برای مؤکد کردن جملات، فعل امر را در یک بیت تکرار کرده است. این تکرارها، بیشتر در پایان مصراع‌ها آورده شده و بدین ترتیب فعل امر ردیف به کار گرفته شده است. در بررسی کلی ابیات غزلیات شمس به نظر می‌رسد استفاده از افعال امر در

حکم کلمات ردیف، بسیار مدنظر مولانا بوده است:

«به یارکان صفا جز می صفا مدهید جو می دهید بدیشان، جدا جدا مدهید»
(همان: ۳۴۲ / ۵۳۹)

- کاربرد دو فعل امر یا نهی مکرر:

مولانا برای تأکید بشیر بر امر خود، گاه فعل امر یا نهی را به صورت مشابه در ابیات خود می آورد. این کاربرد در افعال امر بسامد بیشتری دارد.

«بنازید بنازید که چالاک سوارید بنازید بنازید که خوبان جهانید»
(همان: ۲۳۱ / ۴۰۶)

«چو عشق را تو ندانی پیرس از شب ها پیرس از رخ زرد و ز خشکی لب ها»
(همان: ۸۵ / ۲۴۶)

به طور کلی در این اثر کمتر فعل نهی دیده می شود که تنها یکبار به کار برده شده باشد. از فعل های نهی که یک بار استفاده شده است می توان به «میاسا» و «مکش» و «مخور» و «منال» اشاره کرد. مولانا افعال امر و نهی محدودی را انتخاب، و در ابیات مختلف، مناسب با سخن، آنها را تکرار کرده است. این فعل ها تنوع زیادی ندارند؛ اما کاربرد گزینشی و دقیقشان سبب شده است از سویی به زیبایی و شیوایی سخن کمک کنند و از سویی دیگر مقصود تعلیمی گوینده را تمام و کمال بیان دارند.

۲-۴ استفاده از قالب های متنوع کاربرد امر و نهی در خدمت بیان و اندیشه

تعلیمی

در این اثر، بیشتر فعل های امر و نهی آغاز و پایان مصراع ها آورده شده است. در بیشتر ابیاتی که مولانا امر یا نهی را آورده است، دلیل امر یا نهی را نیز بعد یا قبل از افعال ذکر کرده است. در این وجه از کاربرد، مولانا مخاطب را ارشاد و راهنمایی می کند و بلافاصله دلیل خود را بیان کرده است و او را به توجه و تفکر در جان کلام امر می کند. در واقع گوینده، مخاطب را به دریافت پیام خود ترغیب می کند. مولانا اغلب دلیل را با «ک تعلیل» به معنای «زیراکه» نشان می دهد:

- در نمونه زیر، فعل امر را در ابتدای مصراع ها آورده و بلافاصله به وسیله «که» دلیل

را بیان کرده است:

«ستیزه کن که ز خوبان ستیزه شیرین است بهانه کن که بتان را بهانه آیین است»
(مولوی، ۱۳۸۷: ۱۵۱/۳۱۸)

نیز در نمونه‌هایی از سخن که مخاطب معشوق است و صبغه تعلیمی کلام، کمرنگ است، هدف دلالت معشوق و هدایت او به سوی معنای مقصود است. نظیر نمونه زیر:

«بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست»
(همان: ۱۳۴/۲۹۷)

همچنین گاه، دلیل را در مصرع اول آورده و بعد فعل امر را در مصرع دوم آورده است:

«تا که از کفر و زایمان بنماید اثری این قدح را ز می شرع به کفار دهید»
(همان)

و یا فعل امر را در مصرع اول آورده و دلیل کامل امر را در مصرع بعد آورده است.
«مردمی کن، برو از خدمتشان مردم شو زن که این مردم، همه مردم خوارند»
(همان: ۲۸۴/۴۶۸)

در افعال نهی نیز از چنین قاعده‌ای پیروی کرده است؛ یعنی افعال نهی را همراه با دلیل بیان کرده است:

فعل نهی را در مصرع اول آورده و دلیل نهی را در مصرع دوم بیان کرده است:
«تو مادرمرده را شیون میاموز که استاد است عشق‌آموز ما را»
(همان: ۲۸۴/۴۶۸)

یا دلیل نهی را در مصرع اول، و فعل نهی را در مصرع دوم آورده است:
«چون پدر و مادر عاشق هم عشق اوست بیش مگو از پدر، بیش ز مادر پیرس»
(مولوی، ۱۳۸۷: ۴۳۰/۶۳۷)

به‌طورکلی نقشه‌ای منظم از پراکندگی امر و نهی در غزلیات شمس می‌توان ترسیم کرد: مولانا در بیشتر افعال امر و نهی، زمانی که برای اغراض ثانویه ارشاد، تعلیم و تشویق به کار می‌برد، دلیل را نیز بیان می‌کند. در اینها، مولانا افعال امر را در ابتدای

مصراع‌ها برای تأکید بیشتر می‌آورد.

پراکندگی افعال امر و نهی در غزلیات شمس از منظر دیگری هم بررسی‌پذیر است؛ این افعال گاه در آغاز و گاهی در پایان ابیات آمده است و کاربرد آن در میانه سخن نمود اندکی دارد.

- کاربرد جملات امر و نهی در آغاز بیت:

«بدران پرده‌ها را زان که عاشق
ز بی‌شرمی غم و عاری ندارد»
(همان: ۲۴۵ / ۴۲۲)

«ملرز بر خود تا بر تو دیگران لرزند
به جان تو که تو را دشمنی و رای تو نیست»
(همان: ۱۵۲ / ۳۱۹)

- کاربرد امر و نهی در پایان سخن:

«شیده‌ای که در این راه بیم جان و سر است
چو یار آب حیات است از این پیام مترس»
(همان: ۲۶۳ / ۴۴۳)

- کاربرد افعال امر و نهی عربی در ابیات:

«ز اندازه بیرون خورده‌ام کاندازه را گم کرده‌ام
شُدُوا یَدِی شُدُوا فَمِی هَذَا حِفَاظٌ ذِی السَّكْرِ»
(همان: ۳۸۰ / ۵۸۰)

گاهی فعل امر در نقش ردیف به‌ضرورت در مصراع دوم جای ندارد؛ بلکه در سراسر اجزای مصرع حضور پیدا می‌کند:

«غم را لطف لقب کن، ز غم و درد طرب کن
هم از این خوب طلب کن، فرح و امن و امان را»
(همان: ۷۱ / ۲۳۰)

«کاشانه را ویرانه کن، فرزانه را دیوانه کن

وان باده را پیمانه کن، تا هر دو گردد بی‌خطر»
(همان: ۳۸۲ / ۵۸۲)

- گاهی دو فعل امر متفاوت با یکدیگر کلمه قافیه را تشکیل می‌دهند:

«جان بدان عشق سپارید و همه روح شوید وز بی صدقه، از آن رنگ به گلزار دهید»

(همان: ۴۸۲ / ۲۹۴)

فعل را به صفتی مقید، و تشویق و ارشاد می‌کند و دلیل دوگانه برای تأکید دارد. استفاده از این نوع افعال از کاربردهای خاص مولاناست:

«ترکانه بتاز، وقت تنگ است کان ترک خطابه خرگه آمد»

(همان: ۴۴۴ / ۲۶۴)

کاربرد افعال امر متضاد در یک مصرع:

این شیوه کاربرد امر و نهی، نوعی کلام تعلیمی صریح و قاطع را به ذهن متبادر می‌کند. گویی مولانا در این کلام ارشادی خود، حجت را تمام کرده است:

«ما بیابان عدم گیریم هم در بادیه

در وجود این جمله بند و در عدم چندین گشاد»

(همان: ۴۵۰ / ۲۶۹)

«عقل بفروش و جمله حیرت خر

که تو را سود از این خرید آمد»

(همان: ۵۷۳ / ۳۷۳)

- کاربرد چند فعل امر پیشوندی در یک بیت:

	«پیش آر نوشانوش را، از بیخ برکن هوش را
آن عیش بی‌روپوش را از بند هستی برگشا» (همان: ۱۷۰ / ۱۸)	

- کاربرد امر یا نهی بعد از یک جمله پرسشی:

چنین به نظر می‌رسد که مولانا با طرح پرسش، توجه مخاطب را به خود جلب کرده است و زمینه ذهنی بیان امر را ایجاد می‌کند و از این طریق مقصود تعلیمی خود را در قالب غرض ثانوی جمله امری القا می‌کند:

«تو عشق را چون دیده‌ای؟ از عاشقان نشنیده‌ای»

خاموش کن، افسون مخوان نی جادوی نی شعبده»

(همان: ۹۲۹/۲۵۳)

«چند پرسی شمس تبریزی که بود؟»

چشم جیحون بین و از دریا پرس»

(همان: ۴۲۹/۶۳۶)

۲-۵ نمود غالب امر نسبت به نهی در خدمت بیان و اندیشه تعلیمی مولانا

نکته توجه برانگیز در این اثر عرفانی، فراوانی بیشتر افعال امر نسبت به افعال نهی است؛ به طوری که امر با نمودی بیش از چهار برابر، کاربرد غالبی را به خود اختصاص داده است. جدول زیر نمایی کلی از کاربرد این دو نوع جمله انشایی در این اثر است:

تعداد	شواهد مثال
۴۶۵	تعداد ابیاتی که در آن فعل امر به کار رفته است:
۸۳	تعداد ابیاتی که در آن فعل نهی به کار رفته است:

۲-۶ نمای کلی کاربرد امر و نهی در غزلیات شمس مولانا

بررسی اختلاف معنی دار فعل‌های امر به افعال نهی در این اثر نشان می‌دهد مولانا بیش از تحذیر و انذار به تشویق و ارشاد معتقد است. مولانا در مقام عارفی آگاه و دلسوز پیش از آنکه با لحنی آمرانه مخاطبش را از کاری نهی کند، او را برحذر دارد و انجام دادن عملی را ممنوع کند، با جمله‌های امری خود راه می‌نماید و ارشاد و هدایت می‌کند. به همین سبب در غزلیات شمس مولانا، فعل‌های امر کمیتی به مراتب بیشتر از افعال نهی دارد.

۲-۷ نمود غالب غرض ثانوی ارشاد و وجه تعلیمی

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد، جایگاه غرض ثانوی در متون تعلیمی است. در آثاری که با هدف تعلیم تألیف شده است و یا آثاری مانند اثر عرفانی پژوهش شده که صبغه غنایی و ساختار تعلیمی دارد، هدف نهایی و انگیزه اصلی گوینده تعلیم و ارشاد است. بدیهی است در این حالت کاربرد همه ابزارهای بلاغی زبان، برای دستیابی به این هدف

است. به‌ویژه آنجا که مؤلف متن مدنظر یا متکلم صاحب اثر در مقام پیر و مراد بوده است و مخاطبان حاضر یا مفروض وی نقش مریدان تحت تعلیم را دارند. با این وصف «ارشاد و راهنمایی» یکی از وجوه کلی اغراض بلاغی غزلیات شمس به شمار می‌رود.

در میان مقاصد ثانوی امر و نهی در غزلیات شمس، غرض ثانوی ارشاد و وجه تعلیمی کارکرد امر و نهی بسامد کاملاً غالبی دارد و به‌جز چند نمونه معدود، همه جملات امری تداعی‌کننده مفهوم ارشاد و اندرز است. این مقصود ثانوی، به‌دلیل نقش متکلم که مانند معلمی به تعلیم و تبیین معارف و مفاهیم ارزشمند عرفانی، اخلاقی و معنوی می‌پردازد، جایگاه ویژه‌ای در متون فارسی اعم از عرفانی، ادبی و تعلیمی دارد. علاوه بر جملات امری، در جملات نهی نیز غرض ثانویه ارشاد و راهنمایی نسبت به مقاصد بلاغی دیگر کاربردی به‌مراتب بیشتر دارد. به‌کارگیری افعال امر و نهی برای ارشاد، مقام مولانا را در جایگاه عارفی که به تعلیم و تشویق بیش از تحذیر و تهدید توجه دارد، به‌خوبی نشان می‌دهد.

چنانکه ذکر شد، مهم‌ترین و پر بسامدترین غرض ثانوی در غزلیات شمس «غرض ثانوی ارشاد و اندرز» است. در ادامه ابعاد مختلف اهمیت این غرض بلاغی در این اثر بررسی می‌شود.

۸-۲ همراهی غرض ثانوی «ارشاد» با اغراض دیگر

غرض ثانوی ارشاد و اندرز در غزلیات شمس و به‌طور کلی در متون تعلیمی - عرفانی، بیشتر با اغراض ثانوی دیگر همراه است. با این توضیح که گوینده با اغراض توبیخ، تحذیر، تشویق، تهدید، تعجیز، تحقیر، تخییر، شفقت و مهربانی درصدد ارشاد و راهنمایی مخاطب است؛ بنابراین غرض ثانوی ارشاد از سویی در ارتباط با دیگر مقاصد گوینده و از سوی دیگر مستقل از آن به تبیین و انتقال مفاهیم و اندیشه‌ها می‌پردازد؛ برای مثال در این سخن مولانا اگرچه غرض ثانوی تشویق و ترغیب مخاطب است، در اصل مقصود مؤلف ارشاد و اندرز است:

«گر عیان خواهی ز خاک پای ایشان سرمه ساز

زان که ایشان کور مادرزاد را ره بین کنند»

(مولوی، ۱۳۸۷: ۲۶۶ / ۴۷۷)

بیشتر جمله‌های امر و نهی مولانا که مفهوم ارشاد و راهنمایی را به ذهن متبادر می‌کند، به نوعی درصدد تشویق و ترغیب مخاطب به انجام تعالیم مولانا و انتخاب مسیر عرفانی و برحذر داشتن او از آن کار همراه با دلیل است:

«لب بگشا هیکل عیسی بخوان کز دم دجّال جفا مرده‌اند»

(همان: ۳۷۴ / ۵۷۴)

«خامش کن و جاه گفت کم جوی کاین چاه مزاج تنگ دارد»

(همان: ۲۵۳ / ۴۳۲)

«تو اعتماد مکن بر کمال و دانش خویش که کوه قاف شوی، زود، در هوات کنند»

(همان: ۳۳۸ / ۵۳۳)

در این میان سهم جملات امری که راه را به مخاطب با تشویق و ترغیب نشان می‌دهد از جملات نهی که با تحذیر و ترساندن قصد ارشاد دارند، بسیار بیشتر است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، شیوه تعلیمی مولانا استفاده از روش تشویق و ترغیب است، نه تحذیر و تهدید. جدول زیر نمایی کلی از نمود اغراض ثانوی مختلف در افعال امر و نهی غزلیات است که با هدف نشان‌دادن بسامد فراوان وجه تعلیمی آن، در این بخش از پژوهش آورده شد:

ارشاد و اندرز	تشویق	تحذیر	التماس و خواهش	استرحام	تعجب و شگفتی
۲۲۰	۱۰۹	۴۴	۲۲	۱۸	۱۴

چنانکه آشکار است، در مقابل کاربرد فراوان غرض ثانوی «ارشاد» اغراض دیگر نمود بسیار محدودی دارد. پس از ارشاد و اندرز، مقصود ثانوی «تشویق و ترغیب» که به نوعی شیوه تعلیمی مولانا در جهت ارشاد به شمار می‌رود، بسامد بیشتری دارد. غرض ثانوی «تحذیر» از دیگر ابزارهای کارآمد در متون تعلیمی به شمار می‌آید. به بیان دیگر، سخنور بلیغ در اثر خود از تحذیر و تشویق برای القای اندیشه‌های تعلیمی بهره می‌برد؛ اما در غزلیات شمس کاربرد ثانوی تحذیر در مقایسه با تشویق نمود بسیار محدودی دارد و مولانا بیشتر در افعال نهی خود از آن استفاده می‌کند. این نکته نشان‌دهنده آن است که

مولانا در تعلیمات خود، بیش از آنکه اهل انذار باشد به شیوه تبشیر گرایش دارد.

۹-۲ تأکید بر حضور مخاطب

کاربرد فراوان جمله‌های امری و در مرتبه بعدی جملات نهی با مفهوم ارشاد و اندرز، دراصل تأکیدی بر حضور مخاطب در سراسر متن غزلیات شمس و جلب توجه وی در جریان تعلیم معارف عرفانی است. درواقع این بیان که سبب تقویت حضور مخاطب شده است، تداعی‌کننده حالتی است که در آن، عارف بلخی در برابر مخاطبی با حضور فرضی به ارشاد و راهنمایی می‌پردازد و از این طریق به پویایی و اثربخشی متن خود کمک می‌کند. انتخاب این شیوه بیان دراصل، دغدغه مولانا در رعایت مقضای احوال مخاطب غایبی است که همواره حضور او را در جریان متن غزلیات شمس یادآوری می‌کنند.

۳- نتیجه‌گیری

پس از بررسی و تحلیل داده‌های پژوهش نتایج زیر به دست آمد:

در نگاه نخست غزلیات شمس، منظومه‌ای عارفانه - عاشقانه‌ای است که انعکاس لحظه‌های دورافتادگی مولانا از شمس و زاری در طلب او در آن آشکار است. خواننده مبتدی آن را غزلی عاشقانه و عارفانه تلقی می‌کند؛ اما با نگاهی ژرف‌آمیز متوجه می‌شویم که غزلی تعلیمی نیز هست که مولانا آن را برای ارشاد و اندرز مریدان و مخاطبان خود بیان کرده است و در این راه از ابزارهای بلاغی سخن بسیار سود می‌جوید.

- خواننده در نگاه نخست به غزلیات شمس درمی‌یابد که جملات امر و نهی این اثر، نسبت به سایر جمله‌های دیگر فراوانی بسیاری دارد. ممکن است با توجه به این کثرت چنین تصور شود که این جملات در معنای اصلی و حقیقی خود به کار رفته و قصد عمده شاعر امر یا نهی بوده است؛ اما با استفاده از اغراض ثانوی جملات امر و نهی روشن می‌شود که این اثر از افعال امر و نهی در معنای غیرحقیقی خود با هدف ارشاد و تعلیم، بسامد بسیار بالایی دارد.

- در کاربرد دو نوع انشایی جمله، آشکار است که مولانا نه تنها بیش از تحذیر به تشویق معتقد است، بلکه در نگاهی کلی‌تر، بیشتر از آنکه مخاطب خود را از انجام کارها منع کند، به آن فرامی‌خواند. به بیان دیگر پیش از آنکه مانع و سلب‌کننده باشد، عامل و

- ایجادکننده است. مولانا در مقام عارفی آگاه و معلمی دلسوز پیش از آنکه با لحنی آمرانه مخاطب را از کاری نهی کند، با جمله‌های امری راه می‌نماید و ارشاد و هدایت می‌کند. به همین سبب در غزلیات شمس اغراض ثانوی تشویق بسامد بیشتری دارد.
- پربسامدترین افعال امر و نهی «کن» و «مکن» در ترکیب با متمم‌های فعلی است. جملات امری و نهی که در معنای حقیقی و ثانوی خود استفاده شده‌اند، در بیشتر اوقات همراه با دلیل بیان شده است.
- در بیشتر اوقات، فعل‌های امر و نهی در ابتدا و انتهای مصرع‌ها آورده شده است و بلافاصله با «که» تعلیل و یا حذف ادات تعلیل علت بیان می‌شود تا مخاطب با دید بهتری ارشاد و راهنمایی شود.
- از دیدگاه وزن و آهنگ ابیات، مولانا توجه خاصی در انتخاب افعال امر و نهی داشته است. قراردادن این افعال در جایگاه ردیف و قافیه از مختصات سبکی او در کاربرد این نوع افعال است. همچنین با تکرار و توالی این افعال گاهی به ابیات، ضرب‌آهنگ تند و لحنی قاطع بخشیده است که سعی در اقناع مخاطب و همراه کردن او دارد.
- با توجه به غلبه بسامد وجه تعلیمی امر و نهی در این اثر، تأکید بر حضور مخاطب است.

منابع

۱. آقاولی، حسام‌العلما (۱۳۴۶)، *درر الأدب در فن معانی بیان و بدیع*، شیراز: معرفت.
۲. آهنی، غلامحسین (۱۳۶۰)، *معانی و بیان*، تهران: بنیاد قرآن.
۳. تجلیل، جلیل (۱۳۷۰)، *معانی و بیان*، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۹)، *شرح السعد معروف به مختصر المعانی*، قم: سیدالشهدا.
۵. تقوی، نصیرالله (۱۳۶۳)، *هنجار گفتار*، چاپ دوم، اصفهان: فرهنگسرای اصفهان.
۶. جمالی، فاطمه (۱۳۹۵)، «نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشا در علم معانی»، *دوفصلنامه بلاغت کاربردی و نقد بلاغی*، دوره اول، شماره دوم، ۹۵-۱۱۶.
۷. جمالی، فاطمه (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل کارکرد امر و نهی در منطق الطیر عطار»،

- هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، برگرفته از پایگاه
<https://www.sid.ir/paper/829814/fa>
۸. حاتمی‌نیا، سیما (۱۳۹۷)، «بررسی برخی گونه‌های استفهام، امر، نهی ندا در غزلیات شمس تبریزی»، نشریه مطالعات نقد زبانی و ادبی، ۱۶۶-۱۵۶.
 ۹. رادویانی، محمد بن عمر (۱۳۶۲)، ترجمان البلاغه، به تصحیح احمد آتش، تهران: اساطیر.
 ۱۰. رجایی، محمدخلیل (۱۳۴۰)، معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، شیراز: دانشگاه شیراز.
 ۱۱. رضائزاد (نوشین)، غلامحسین (۱۳۶۷)، اصول بلاغت در زبان فارسی، تهران: الزهراء.
 ۱۲. زاهدی، زین‌الدین (جعفر) (۱۳۴۶)، روش گفتار، مشهد: چاپخانه دانشگاه.
 ۱۳. سلیمی، حسین؛ علوی، بشیر (۱۳۹۹)، «بررسی کارکردهای دینی و اخلاقی جملات پرسشی و امری در قصاید سنایی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، ۸۴-۵۸.
 ۱۴. شمیسا، سیروس (۱۳۷۳)، معانی، چاپ دوم، تهران: میترا.
 ۱۵. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۴)، زیباشناسی سخن پارسی (۱): معانی، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
 ۱۶. عرفان، حسن (۱۳۸۳)، کرانه‌ها (شرح و ترجمه فارسی مختصرالمعانی)، چاپ چهارم، قم: هجرت.
 ۱۷. علوی‌مقدم، اشرف‌زاده (۱۳۷۶) معانی و بیان، تهران: مرکز تحقیق و علوم انسانی.
 ۱۸. مولانا، محمد بلخی (۱۳۸۷)، غزلیات شمس، تفسیر محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ پنجم، تهران: سخن.
 ۱۹. نوپا، پل (۱۳۷۳)، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 ۲۰. هاشمی، احمد (۱۳۷۴)، معانی و بیان، چاپ سوم، تهران: نشر هما.
 ۲۱. همایی، ماهدخت (۱۳۷۴)، معانی و بیان، چاپ سوم، تهران: نشر همادز.